

نقش ظاهر و باطن قرآن کریم در تعالی معنوی با تأکید بر سیر و سلوک عرفانی^۱

رضا شاه‌منصوری^۱ 

۱. دانش آموخته دکتری تربیت مدرس اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم، ایران.

Email: rez.mansoor@yahoo.com



چکیده

تعالی معنوی یکی از مهم‌ترین امور در زیست سعادتمندانه یک انسان در جهان‌بینی الهی به‌شمار می‌رود. هرچند راه‌های گوناگونی برای تعالی معنوی مطرح شده است اما مطمئن‌ترین و سالم‌ترین راه از انحرافات، سیر و سلوک عرفانی در اسلام است. از سویی قرآن کریم مهم‌ترین و موثق‌ترین منبع دینی در اسلام است که همواره مرجع و ملجأی برای شناخت و هدایت در مسیر حقیقی سعادت بوده است. بنابراین برای حرکت صحیح در مسیر سلوک عرفانی و به تبع تعالی معنوی نیز رجوع به این منبع وحیانی امری ضروری است. هدف از این پژوهش بررسی تأثیرات مختلف ظاهر و باطن قرآن کریم در تعالی معنوی است. روش پژوهش توصیفی تحلیلی با استناد به ادله نقلی و بعضاً عرفانی و عقلی است. نتیجه پژوهش این که ظاهر آیات قرآن کریم هم در شناخت صحیح از سیر و سلوک عرفانی به عنوان بستری برای تعالی معنوی و هم در ایجاد انگیزش در طی این طریق، تأثیر فراوانی دارد، همچنین باطن قرآن کریم نیز تأثیرات مختلفی سلوک عرفانی دارد که از آن‌ها با تعبیری همچون رفع حجب، طهارت باطن، شفای امراض قلبی و نورانیت دل یاد شده است. تأثیر باطن قرآن در منازل مختلف سیر و سلوک عرفانی

۱. **استناد به این مقاله:** شاه‌منصوری، رضا. (۱۴۰۳). نقش ظاهر و باطن قرآن کریم در تعالی معنوی با تأکید بر

سیر و سلوک عرفانی. معنویت‌پژوهی اسلامی، ۳(۵)، صص ۸۶-۱۲۷.

<https://doi.org/10.22081/jsr.2025.69757.1100>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴



هم‌چون ایمان، تقوا، توبه، نفی خواطر، مراقبه، فنا و منازل دیگر نیز قابل اثبات است. در نتیجه می‌توان ادعا کرد تأثیرات مختلف ظاهر و باطن قرآن کریم در سلوک عرفانی و به تبع تعالی معنوی به‌نحوی است که رشد و تعالی معنوی بدون بهره‌گیری از کلام الله ممکن نیست.

کلیدواژه‌ها

تعالی معنوی، ظاهر قرآن، باطن قرآن، سیر و سلوک عرفانی، تأثیر انگیزشی، تأثیر باطنی.

مقدمه

امروزه تعالی معنوی و شناخت راه صحیح برای رشد ابعاد غیرمادی انسان دغدغه بسیاری از افراد در سرتاسر دنیا با اعتقادات مختلف شده است. گاهی انسان‌ها با روش‌های مختلف سعی در رشد معنوی خود دارند. طبیعتاً در اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی نیز از آنجا که اصالت با بعد روحی انسان است تعالی معنوی شرط سعادت‌مندی به‌شمار می‌رود؛ لذا اسلام نیز نسبت به مسئله تعالی معنوی ساکت نیست. یکی از راه‌هایی که انسان را در مسیر صحیح تعالی معنوی حرکت می‌دهد و به مقصد می‌رساند سیروسلوک عرفانی در اسلام است؛ بنابراین پرداختن به سیروسلوک عرفانی به دلیل نقش کلیدی این سیر باطنی در تعالی معنوی انسان است. از سوی دیگر در میان منابع دینی، قرآن کریم موثق‌ترین منبع دینی است که در صدور آن شکی نیست. قرآن کریم همواره معیار و میزانی برای ارجاع باورها یا هنجارها در زندگی انسان بوده است. با این توضیح ضروری است که برای تعالی معنوی نیز به سراغ این منبع لایزال الهی رفت؛ بنابراین باید پرسید قرآن کریم چه نقشی در سیروسلوک عرفانی و به تبع در تعالی معنوی بشریت دارد؟ آیا این نقش در ظاهر الفاظ آن و در حوزه شناخت‌دهی منحصر می‌شود؟ تأثیرات باطنی قرآن کریم در تعالی معنوی به چه صورت رخ می‌دهد؟

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به ادله نقلی، عرفانی و عقلی در پی پاسخ به این قبیل پرسش‌ها است.

درباره پیشینه پژوهش باید گفت برخی کتب با توجه به مقدمه‌بودن اخلاق برای تعالی معنوی به بررسی مباحث، مبادی یا مراحل اخلاق در قرآن پرداخته‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹؛ مصباح، ۱۳۹۱؛ مصباح، ۱۳۹۲) برخی کتب و مقالات به بررسی مباحث عرفان نظری یا عملی در قرآن کریم پرداخته‌اند (رمضانی، ۱۳۹۸؛ منصوری، ۱۳۹۹؛ قمشه‌ای، ۱۳۹۴)؛ اما باید گفت وجه تمایز این پژوهش با دسته اول این است که تکیه بر سیروسلوک عرفانی دارد نه فقط مباحث اخلاقی و وجه تمایز با دسته دوم در این است که ۱. تنها در پی اثبات عرفان اسلامی از منظر قرآن کریم نیست؛ ۲. فقط به تأثیرات شناختی قرآن کریم در منازل سلوک نمی‌پردازد، بلکه به آثار دیگری هم‌چون تأثیر

انگیزشی قرآن کریم و تأثیر باطنی قرآن کریم نیز می‌پردازد؛ ۳. در تأثیر شناختی و انگیزشی تمرکز بر مبادی فعل و چگونگی استفاده قرآن کریم از آن‌ها در جهت تعالی معنوی شده است که در پژوهش‌های قبلی چنین توجهی انجام نشده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. معنویت

معنویت در لغت مصدر جعلی از معنی است. معنوی نقطه مقابل ظاهری، مادی و صوری است و به امری گفته می‌شود که مربوط به باطن و روح انسان است (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه معنوی) در توضیح بیشتر باید گفت عالم هستی علاوه بر ظواهر مادی و روابط بین امور مادی، حقیقتی باطنی نیز دارد که به آن عالم معنا نیز گفته می‌شود. درواقع بُعد مادی عالم هستی تنزل یافته و به تعبیری سایه‌ای از حقیقت باطنی آن است. انسان به واسطه ساحت مادی خود با بُعد مادی عالم هستی در ارتباط است و به واسطه بُعد روحی خود امکان ارتباط با حقیقت باطنی عالم هستی را دارد. به ارتباط حقیقت غیرمادی انسان با ورای بُعد مادی عالم هستی یعنی حقیقت باطنی آن و یا به طور خلاصه به توجه به ابعاد فرامادی انسان و عالم، معنویت گفته می‌شود (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۳، ص ۴۰).

۱-۲. تعالی معنوی

باتوجه به معنای معنویت، معنای تعالی معنوی فرآیندی است که طی آن انسان با تلاش خود از لایه‌های مادی عالم هستی عبور کرده و به درک حقایق غیرمادی در عالم معنا دست می‌یابد.

هدف علم اخلاق، آراستن حقیقت باطنی انسان به فضائل اخلاقی و زدودن رذائل اخلاقی است (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۳۲) پس تعالی اخلاقی یعنی فرآیندی که منجر به ایجاد فضائل و دفع رذائل شود؛ اما تعالی معنوی بیش از آنکه آراستن حقیقت انسان به فضایل و پیراستن از رذایل باشد تحولی در هستی و اشتداد وجودی او است (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۳، ص ۴۰). البته کسب فضایل و زدودن رذایل را نیز می‌توان از جمله لوازم و مقدمات تعالی

معنوی و سعادت معنوی انسان دانست (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۳۲).

به عبارت دیگر هدف از اخلاق تحولی در جان انسان است که او را بالاتر از حد حیوانیت، در جایگاه انسانی قرار دهد تا این که او از تبعیت محض از قوای حیوانی (شهوت و غضب) بر حذر باشد. در اخلاق فلسفی این مرتبه از مقام انسانی متوقف بر اعتدال میان قوای وجودی انسان (عقل و شهوت و غضب) بیان می شود (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۲).

اما در معنویت، هدف درک حضوری هستی و رسیدن به معرفت و لقاءالله است. در تربیت معنوی مربی به دنبال این است که فرد را از سطح عامه مردم بالاتر برده و با امور غیبی مرتبط و موفق به درک باطنی حقائق غیبی هستی کند. در نتیجه معنای تعالی معنوی، رشد و ارتقا در معرفت و ارتباط با حقیقت عالم و امور غیبی است. هرچند که تعالی اخلاقی و متخلق شدن به فضائل اخلاقی و دوری از رذائل اخلاقی خود از مقدمات ضروری تعالی معنوی است؛ اما این دو در مفهوم با یکدیگر تفاوت دارند (عالم زاده نوری، ۱۳۹۳، ص ۴۰).

۱-۳. سیروسلوک عرفانی

واژه سیر در لغت مصدر است و از ریشه «سار» به معنای حرکت کردن در مسیری است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۹۱).

سلوک نیز از ریشه «سلک» به معنای نفوذ و داخل شدن در راه و عبور از آن است؛ راغب در مفردات خود در این باره می نویسد: «السُّلُوكُ: النَّقَازُ فِي الطَّرِيقِ، يُقَالُ: سَلَكَ الطَّرِيقَ» (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۲۱)؛ همچنین ابن منظور در لسان العرب آورده است: «السُّلُوكُ: مَصْدَرُ سَلَكَ طَرِيقاً» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۴۴۲)؛ ابن فارس در معجم مقاییس اللغة نیز به این نکته اشاره می کند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۹۷)؛ بنابراین می توان گفت معنای لغوی ترکیب عطفی سیروسلوک ورود و حرکت در مسیری و طی کردن آن است.

سیروسلوک یک اصطلاح عرفانی است و به معنای حرکت سالک از عالم طبع و

کثرات و رفتن به سمت معرفت‌الله و عالم خلوص و وحدت و رهایی از تعلقات است (حسینی تهرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۵؛ نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۳، صص ۵ و ۱۰۱).

باتوجه به منابع دینی به خصوص آثار عرفانی، سیر و سلوک عرفانی مهمترین و سالم‌ترین راه برای تعالی معنوی است.

در حقیقت مسائل عرفان نظری در سه حوزه خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مطرح می‌شوند؛ اما موضوع علم عرفان نظری اسم، صفت و فعل حق تعالی است (رحیمیان، ۱۳۷۸)؛ بنابراین محور اصلی و اساس این علم، وجود حق تعالی است و بقیه مسائل مانند شناخت هستی یا انسان کامل از باب اینکه از تجلیات خداوند هستند و یا واسطه فیض الهی هستند مورد بحث قرار می‌گیرند و در حقیقت تمامی آن‌ها نیز به معرفت‌الله برمی‌گردند (امینی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۲۴۰)؛ پس باید گفت مقصد اصلی و هدف اصلی از عرفان نظری معرفت‌الله و لقاء الله با ادراک شهودی می‌باشد؛ اما راه رسیدن به این هدف و برنامه‌ها و دستوراتی که یک فرد باید در این مسیر رعایت کند را در عرفان عملی مورد توجه قرار می‌دهند (امینی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۶۹).

بنابراین در این تحقیق علت تمرکز بر سیر و سلوک عرفانی، عاملیت آن برای تعالی معنوی است.

۲. تأثیر ظاهر قرآن کریم در تعالی معنوی

قرآن کریم ظاهر و باطنی دارد. مقصود از ظاهر قرآن کریم در این تحقیق همان ظاهر آیات شریفه و مفاهیم آن الفاظ و آیات شریفه است و مقصود از باطن، حقیقت وجودی غیرمادی است که مربوط به بطن قرآن می‌شود. با این توضیح مقصود از تأثیر ظاهر قرآن کریم در تعالی معنوی یعنی تأثیری که مفهوم الفاظ و جملات قرآن کریم در حوزه شناخت ذهنی انسان دارند. به‌طور طبیعی قرائت و تدبر در قرآن کریم منجر به یکسری شناخت در حوزه شناخت‌های ذهنی انسان می‌شود و طبیعتاً یکی از اهداف قرآن کریم معرفت‌دهی هدفمند در همین ساحت از انسان است. حقیقت غیرمادی و باطنی قرآن فارغ از ایجاد شناخت ذهنی، تأثیراتی در جان و قلب انسان دارد که

در بخش بعدی به صورت مفصل تحت عنوان تأثیرات باطن قرآن کریم به آن پرداخته می‌شود.

از سوی دیگر بیان شد که بهترین و سالم‌ترین راه برای تعالی معنوی انسان، سیروسلوک عرفانی است. حال برای درک تأثیر ظاهر قرآن کریم در تعالی معنوی باید در پی نوع شناخت و معرفتی رفت که قرآن کریم در راستای سیروسلوک عرفانی و بندگی و عبودیت می‌دهد.

تأثیر ظاهر قرآن کریم در ایجاد شناخت از سیروسلوک عرفانی و عبودیت بشریت به دو صورت قابل فرض است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۱-۲. نقش معرفت و شناخت‌دهی قرآن در تعالی معنوی

قرآن کریم یکی از مهم‌ترین منابع دینی به‌شمار می‌رود؛ در حقیقت می‌توان گفت قرآن کریم متقن‌ترین منبع معارف دینی است؛ اهمیت آن تاجایی است که حتی روایات نیز باید با آیات این منبع دینی مطابقت داشته باشند؛ در صورت عدم موافقت روایتی با آیات یا به معنای مطابق حمل شده و در صورت عدم امکان حمل و جمع بین آن‌ها، روایت کنار گذاشته می‌شود (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۴۷).

سیروسلوک حرکتی معنوی برای طی کردن مدارج ایمان و عبودیت و رسیدن به درجات عالی آن‌ها است. برای شناخت دقیق‌تر آن و فهم جزئیات آن نیز باید به دین رجوع نمود. در این سیر معنوی رجوع به قرآن کریم به عنوان محکم‌ترین منبع و حیانی امری ضروری است. در روایتی از رسول خدا ﷺ درباره اهمیت و جایگاه هدایت‌گری قرآن کریم نقل شده است: «پس بر شما باد رجوع به قرآن ... قرآن راهنمایی است که به بهترین راه راهنمایی می‌کند؛ قرآن کتابی است که تفصیل معارف، بیان حقائق و تحصیل امور در آن است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۹۹).

پس باید دانست ظاهر قرآن کریم نقش مهم و به‌سزایی در شناخت صحیح از سیروسلوک و به تبع تعالی معنوی انسان دارد.

امام خمینی رحمته‌الله درباره اهمیت جایگاه معرفت‌دهی قرآن کریم در سلوک می‌فرمایند

میزان معیار تشخیص صحیح و باطل و سعادت و شقاوت قرآن است؛ لذا وظیفه سالک الی الله این است که خود را به قرآن عرضه کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، صص ۲۰۸-۲۰۹).

در توضیح دقیق‌تر در نقش معرفت‌دهی قرآن کریم و تأثیر آن در شناخت از سیر و سلوک عرفانی باید گفت خداوند تعالی قرآن کریم را تبیان و بیان‌کننده هر چیزی معرفی می‌نماید (نحل، ۸۹). در جای دیگر می‌فرماید از چیزی در قرآن فروگذار نشده است. (انعام، ۳۸). در این باره ابتدا باید گفت قرآن کریم کتاب فقه، کلام، ریاضی، فلسفه، تاریخ و... نیست بلکه قرآن کریم کتاب هدایت است؛ خداوند تعالی قرآن را کتابی هدایت‌گر برای متقین بیان می‌فرماید (بقره، ۲). قرآن کتابی برای هدایت بشریت در مسیری است که تنها راه رسیدن به کمال بشر در آن است و در حقیقت کمال بشر عین عبودیت است؛ با توجه به این آیات می‌توان گفت تبیان‌بودن قرآن کریم برای هر چیزی، در حیطه هدایت بشر است به این معنا که هرآنچه برای هدایت بشر در مسیر بندگی نیاز باشد در قرآن کریم آمده است.

علامه طباطبایی رحمه الله در این باره آورده است: «وقتی قرآن کتاب هدایت است برای همه مردم و جایگاه قرآن این چنین است، ظاهر این است که مقصود از «کُلُّ شَيْءٍ» در آیه شریفه هر چیزی باشد که به امر هدایت بشر برگردد و مردم برای هدایت شدن بدان نیازمند باشند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۲۵).

در تفسیر نمونه نیز در این باره آمده است قرآن کتاب تربیت و انسان‌سازی است؛ لذا منظور از همه چیز، تمام اموری است که برای پیمودن این راه لازم دارد نه این که قرآن دایره المعارفی از تمام جزئیات علوم ریاضی، جغرافیا، شیمی، فیزیک یا غیره باشد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۳۶۱).

بنابراین باید گفت هرآنچه از معارف که سالک نیاز دارد تا در مسیر هدایت و بندگی بداند در قرآن کریم آمده است؛ از سوی دیگر با توجه به این که هدف از خلقت انسان رسیدن به کمال یا همان عبودیت است (ذاریات، ۵۶) و اساساً فلسفه نزول وحی و بعثت انبیا راهی کردن بشریت در مسیر تزکیه و تعلیم و بندگی است (جمعه، ۲). در نتیجه می‌توان گفت ممکن نیست قرآن کریم معارف مربوط به چیستی حقیقت عبودیت و

چگونگی رسیدن به آن یعنی همان سیروسلوک الی الله را بیان نکرده باشد. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «مسائل عرفانی به آن نحو که در قرآن کریم است در کتاب دیگری نیست» (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۶۳).

در نتیجه یکی از انواع تأثیراتی که ظاهر آیات قرآن کریم در تعالی معنوی دارد این است که با معرفت‌دهی و ایجاد شناخت نسبت به مسیری که سالک الی الله باید طی کند او را نسبت به این مسیر آگاه و از گمراهی و بیراهه رفتن نجات می‌دهد.

۲-۲. تأثیر انگیزشی قرآن کریم در تعالی معنوی

نوع دیگری از تأثیرات ظاهر قرآن کریم در تعالی معنوی مربوط به ایجاد انگیزش در راستای تعالی معنوی و عبودیت در انسان است. باید دقت کرد که این تأثیر هرچند در انسان ایجاد انگیزش است؛ اما از شناخت حاصله از ظاهر عبارات قرآن بدست می‌آید؛ لذا جزء تأثیرات ظاهر قرآن کریم بیان شده است.

انگیزش، یک نیروی محرک درونی است که انسان را به سوی حرکتی خاص با هدف مشخص حرکت می‌دهد. در روان‌شناسی عوامل مختلفی مانند شناخت‌ها، نیازها و هیجان‌ها برای بوجود آمدن انگیزش در انسان ذکر شده است (حقانی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۳).

در ادامه باید به این نکته اشاره کرد که بنابر نظر بسیاری از بزرگان مبادی افعال اختیاری انسان چهار مرحله دارند؛ مرحله اول تصور فعل و تصدیق به فائده آن است؛ مرحله دوم شوق نفس به سمت آن فعل مطلوب است؛ مرحله سوم عزم و اراده انسان برای انجام فعل است و مرحله چهارم انجام فعل است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۲۱۹).

حال برای روشن شدن جایگاه انگیزش در مبادی فعل می‌توان گفت انگیزش آن مصلحت و فائده‌ای که مورد تصدیق قرار می‌گیرد نیست؛ بلکه بعد از علم به وجود مصلحت و منفعت در یک فعل در انسان شوق و انگیزش رخ می‌دهد پس باید گفت علم و شناخت انسان مقدم بر انگیزش است و انگیزش نیز مقدم بر اراده فعل است؛ بنابراین جایگاه انگیزش در مبادی افعال همان جایگاه شوق است (حقانی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۹).

نکته مهم و اساسی این است که یکی از عوامل بسیار موثر در تحولات مختلف در مبادی فعل خصوصاً مرحله شوق و انگیزش و در پی آن تحولات مختلف در افعال، مسئله شناخت و معرفت است (مصباح، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳).

طبیعتاً آن دسته‌ای از افعال انسان که در چارچوب بندگی و عبودیت قرار می‌گیرند نیز از این قاعده مستثنی نبوده و دارایی مبادی یادشده هستند؛ بنابراین شناخت و معرفت در بندگی و عبودیت نیز همین تأثیر ویژه را دارا است.

حال باید به این مسئله پرداخت که معرفت‌افزایی قرآن کریم بسیار دقیق و هدف‌مند است و به صورت کاملاً هوشمندانه و به گونه‌ای است که مراحل گوناگون مبادی بندگی و عبودیت را در انسان به عنوان پایه و اساس اخلاق و معنویت تقویت کند. تأثیر قرآن کریم در چند محور از این فرایند قابل توجه است.

۲-۱-۲. تصدیق به فایده

اولین محور تأثیر قرآن کریم در فرایند تصدیق فائده است؛ یکی از مهم‌ترین عوامل انجام افعال اختیاری انسان شناخت فعل و اذعان به فائده و یا زیان‌های آن است. قرآن کریم مبنا و معیار را در فرآیند تصدیق به فائده تبیین می‌کند.

یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مباحث معرفتی در افعال انسان نوع معرفت و نگرش انسان به جایگاه خود همچنین مبدا و مقصد خود است که از آن تعریف به جهان‌بینی می‌گردد. درواقع شرط حرکت در مسیر عبودیت و سیر به سوی خالق یکتا و به تبع آن تعالی اخلاقی و معنوی، بهره‌مندی از جهان‌بینی الهی است.

وقتی انسان به این معرفت رسید که خالق او خداوند حکیم است و برای هدفی والا که رسیدن به عبودیت است آفریده شده است، دیگر تنها فعلی که او را به این هدف عالی نزدیک کند دارای منفعت می‌داند و هر فعلی او را از این هدف دور کند مضر می‌داند؛ چنین شخصی هرگز فعلی را که به زندگی اخروی او ضرر می‌رساند دارای منفعت نمی‌داند و وجود فائده در آن‌ها را تصدیق نمی‌کند؛ لذا مبادی فعل در او تحقق نمی‌یابد و مرتکب آن عمل نمی‌گردد.

مهمترین مسئله در جهان‌بینی شناخت مبدا، شناخت معاد و شناخت رابطه انسان با مبدأ و معاد است (مصباح، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴).

قرآن کریم به صورت ویژه به بحث مبدا و مقصد انسان می‌پردازد. قرآن کریم مبدأ انسان را خالق یکتا معرفی می‌نماید. خالق انسان خداوند قادر و حکیمی است که بشر را با اراده خویش از گل آفرید (انعام، ۲). او رب آسمان‌ها و زمین (رعد، ۱۶).

همچنین قرآن کریم به صورت گسترده به مسئله مقصد و معاد نیز پرداخته است. برخی از مفسرین تعداد آیاتی که به مسئله معاد پرداخته‌اند را حدود دو هزار آیه شریفه یعنی حدود یک سوم قرآن کریم دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۳).

نکته مهم در این مسئله این است که اگر صرف معرفت ساده کافی بود با چند آیه این مقصود حاصل می‌شد؛ اما وقتی یک مسئله با این حجم از آیات در جای‌جای کلام‌الله تکرار می‌شود نشان‌گر هدف‌مندبودن این معرفت‌دهی است و آن تأثیر این معرفت در فرآیند انگیزش برای بندگی و عبودیت است.

۲-۲-۲. بیان مصادیق منافع

درباره محور دوم در کیفیت انگیزش قرآن کریم باید گفت: پس از آنکه قرآن کریم معرفت لازم را به مومنین داد و شیوه شناخت منافع حقیقی را به آن‌ها آموخت در مرحله بعد به بیان مصادیق این منافع می‌پردازد. قرآن کریم در جای‌جای خود این منافع حقیقی را به انسان تذکر می‌دهد تا او را نسبت به انجام افعال خیر برانگیزاند.

با بررسی آیات قرآن کریم می‌توان دریافت که آیات بسیاری در مقام انگیزش بندگان بیان گردیده‌اند. قرآن کریم پس از مشخص‌نمودن معیار و مبنا در تصدیق به فائده برای ایجاد انگیزش و شوق در بندگان در مرحله بعد به صورت مکرر مصادیق فوائد و ضررها را یادآور می‌شود و از فوائد برخی افعال و یا از عواقب ناگوار برخی دیگر از آن‌ها صحبت به میان می‌آورد. این سبک ثابت می‌کند قرآن کریم نقش چشم‌گیری در انگیزش بندگان به سوی بندگی و عبودیت و تعالی اخلاق و معنویت در آن‌ها دارد.

به نظر می‌رسد در همین راستا توجه ویژه‌ای به مصادیق بشارت و انداز در قرآن کریم شده است. طبیعی است که انسان با توجه به فوائد یک فعل به وسیله قوه شهویه شوق جلب منفعت و رسیدن به مطلوب در او حاصل می‌شود؛ اما از سوی دیگر انسان با توجه به وجود ضرر به وسیله قوه غضبیه شوق برای دفع مضرت در او به وجود می‌آید (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۳۹)؛ بنابراین در قرآن کریم هم از بشارت‌های فراوان و هم از اندازهای متعدد به عنوان ابزاری برای ایجاد انگیزش در انسان استفاده شده است.

۳-۲-۲. گرایش‌های ذاتی

محور سوم در امر انگیزش قرآن کریم، استفاده از گرایش‌های ذاتی و فطری متفاوت انسان است. همان‌گونه که از مبادی فعل روشن گردید هیچ فعلی بدون وجود میل، انگیزه و شوق از انسان سر نمی‌زند؛ اما امیال و انگیزه‌ها در انسان به صورت واحد و همسو نیستند؛ بلکه انگیزه‌ها و امیال زیادی با جهات مختلف در او وجود دارد. گاهی برخی از این امیال در انسان تعارض می‌کنند به شکلی که میلی او را به سمتی و میل دیگر او را به سمت مخالف می‌کشاند. در این میان میلی که قدرت بیشتری داشته باشد و توان غلبه بر امیال دیگر را داشته باشد می‌تواند منتهی به اراده و فعل گردد (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۵).

با توجه به بحث‌های گذشته باید گفت گاهی انسان نسبت به بدی و ضرر اخروی فعلی علم دارد و قوه غضبیه نیز او را از این فعل نهی می‌کند، یعنی مرحله تصور و تصدیق به نبود فائده و وجود ضرر نیز برای او رخ می‌دهد؛ بنابراین در اثر این معرفت و شناخت میل و شوق برای حفظ طهارت باطنی و آلوده‌نشدن به گناه در او ایجاد می‌شود؛ اما باز هم مرتکب آن فعل حرام می‌شود و قدرت ترک آن را ندارد و حتی پس از انجام آن دچار پشیمانی می‌شود. علت این اتفاق و اینکه چرا این تصدیق به ضرر و این معرفت منجر به ترک فعل حرام نشد و اراده ترک در او بوجود نیامد امیال ضد هستند. امیالی که با قدرت و کشش قوی‌تر در او وجود دارد که با میل به طهارت به منازعه بر می‌خیزند و به دلیل قدرت بیشتر آن‌ها بر میل به طهارت غلبه کرده و فرد را به

گناه می‌کشانند. به‌طور عمده گناهانی که از مومنینی که دارای جهان‌بینی الهی هستند سر می‌زند و پس از آن هم منجر به پشیمانی پس از گناه می‌گردد از این قبیل هستند. از سوی دیگر اگر امیالی موافق با فعلی واجب وجود داشته باشند منجر به سرعت بخشیدن به فرد و ازدیاد شوق در او برای انجام فعل واجب می‌گردد.

البته باید دانست در منابع روان‌شناسی اخلاق این مسئله تحت عنوان ضعف اخلاقی بیان شده است. به این معنا که چنین فردی دچار ضعف اخلاقی است (موسوی، ۱۳۹۹، ص ۸۳).

قرآن کریم در مقام انگیزش به سوی بندگی و عبودیت به عنوان پایه و اساس معنویت تنها به مرحله تصور و تصدیق فائده بسنده نمی‌کند؛ بلکه در مرحله تعارض امیال و انگیزه‌ها نیز به کمک بندگان می‌آید و با شیوه‌ای متفاوت آن‌ها را یاری می‌نماید و انگیزش به سوی بندگی را تقویت می‌کند. در این مرحله قرآن کریم از امیال و گرایش‌های ذاتی و باطنی انسان که موافق و تقویت‌کننده بندگی و عبودیت هستند استفاده کرده و آن را تحریک می‌کند تا انگیزش و شوق بندگی تقویت شده و در مواجهه با امیال ضد پیروز گردد و به مرحله اراده و فعلیت برسد.

حال درباره کیفیت استفاده و برانگیختگی گرایش‌های موافق با بندگی توسط قرآن باید گفت در این مرحله نیز قرآن کریم از معرفت و شناخت‌دهی هدف‌مند استفاده می‌کند.

بین شناخت و گرایش‌ها یک نحو ترتب وجود دارد؛ چراکه، برانگیخته‌شدن گرایش‌ها مسبوق به نوعی شناخت است؛ از این رو حکما گفته‌اند: علم علت شوق می‌شود. منظور از این جمله حکما آن نیست که علم، علت تأمه شوق باشد؛ چراکه، شوق از مقوله دیگری است و خود، منشأ مستقلى در نفس دارد؛ بلکه، منظور این است که شوق بدون علم، حاصل نمی‌شود. پس درواقع، علم، متمم علت شوق است و شکوفاشدن و برانگیخته‌شدن میل و گرایش‌های باطنی مشروط به علم است. پس درواقع، علم دو نقش را بازی می‌کند: نخست آنکه، حقیقت را برای ما روشن می‌کند و حق و باطل را به ما می‌شناساند، دوم آنکه، علم و معرفت آن دسته از گرایش‌های فطری و غریزی درون انسان را برانگیخته، شکوفا و جهت‌دهی می‌کند (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۶).

نکته مهم این که برای مقدم شدن یکی از امیال بر دیگری، عوامل گوناگونی مؤثر است که مهم تر از همه عامل شناخت است (مصباح، ۱۳۹۲، ص ۱۴۶).

قرآن کریم با توجه خاص به امیال فطری و غریزی انسان سعی دارد تا از این امیال در راستای تقویت انگیزه عبودیت و بندگی در مومنین و تعالی اخلاق و معنویت در آن ها استفاده کند؛ لذا به شکل های گوناگون به آن ها می پردازد. درواقع اگر این امیال بیدار و تقویت گشته و جهت دهی شوند به خوبی می توانند با انگیزش افعال خیر و بندگی تعاضد کرده و آن ها را تقویت کنند و انسان را در رسیدن به هدف اصلی خود کمک نمایند.

درباره امیال و گرایش ها ذاتی انسان باید گفت امور ذاتی در انسان به دو دسته شناخت های ذاتی و گرایش ها یا همان امیال ذاتی تقسیم می شوند؛ بنابر نظر برخی محققین امیال ذاتی انسان نیز به دو دسته گرایش ها غریزی و گرایش ها فطری تقسیم می گردند؛ گرایش ها و امیال غریزی بیشتر مربوط به بعد مادی و بعد حیوانی انسان هستند و گرایش ها و امیال فطری مربوط به بعد فرا حیوانی و معنوی انسان هستند (مطهری، ۱۳۷۰، صص ۳۱-۳۴).

برخی محققین درباره تقسیم بندی گرایش ها باطنی انسان دیدگاه متفاوت و به نظر جامع تری را ارائه می نمایند. از دیدگاه آنان ریشه همه گرایش ها باطنی در حب ذات است و این گرایش ها به سه دسته اصلی حب بقاء، کمال خواهی و سعادت طلبی یا همان لذت جویی تقسیم می شوند. براساس این دیدگاه کمال خواهی نیز به دو شکل قدرت طلبی و حقیقت طلبی جلوه می کند همچنین سعادت طلبی و لذت جویی نیز به صورت های غرائز، جمال دوستی، عواطف و احساسات و انفعالات ظهور می یابد. (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۲).

بعد از آن که مشخص شد علم و معرفت موجب بیداری و برانگیختگی و جهت دهی امیال و گرایشات می گردد و قرآن کریم نیز از همین مقوله به صورت هدف مند استفاده کرد است به صورت جداگانه و اختصار به تأثیر قرآن کریم در این گرایش ها اشاره می شود.

۱. بنابر نظر برخی محققین یکی دیگر از گرایش های فطری انسان میل به خدا است

(مصباح، ۱۳۹۲، ص ۱۵۲)؛ البته از تفاوت‌های این گرایش با گرایش‌های غریزی دیگر این است که ابتدا به صورت ناآگاهانه است؛ هرچند در ادامه با تهذیب نفس و حرکت در مسیر بندگی و تعالی اخلاق و معنویت تقویت و آگاهانه و از نوع شهودی و یقینی می‌شود؛ اما این نوع از درک عمومی نیست و دست هرکسی به آن نمی‌رسد (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۷۱). تفاوت دیگر این گرایش با گرایش‌های دیگر همچون غرائز این است که، به صورت خودبه خود شکوفا نمی‌شود؛ بلکه با گذشت زمان در اثر شناخت و عمل انسان به شکوفایی می‌رسد (مصباح، ۱۳۹۲، ص ۱۵۲). البته برخی روان‌شناسان به این گرایش حس دینی نیز می‌گویند (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۳۶).

در قرآن کریم از این میل فطری استفاده شده است و با معرفت‌افزایی و دادن شناخت صحیح تلاش شده از انحراف این گرایش فطری جلوگیری شود.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید «خداوند ایمان به خود را در دل بندگان زینت داده است که بیان‌گر منشاء میل به خداپرستی است» (حجرات، ۷).

در آیات متعدد تلاش شده است با تأکید و یادآوری پروردگار حقیقی عالم این میل فطری جهت‌دهی شود و زمینه‌ای باشد برای هدایت بشر به مسیر حقیقی و حرکت در روش عبودیت؛ از همین رو به صورت مکرر خداوند به پیامبر ﷺ خود دستور می‌دهد تا برای تنبیه مردم و بیداری میل به پروردگار در جانشان از آن‌ها بپرسد چه کسی رازق است، چه کسی مالک چشم و گوش است، مرگ و حیات به دست چه کسی است و تدبیر امور به دست (یونس، ۳۱).

۲. یکی دیگر از گرایش‌های فطری انسان که ریشه در کمال‌طلبی او دارد حقیقت‌جویی است. انسان فطرتاً تشنه دانستن است و تا به حقیقت دست نیابد این میل او را آرام نمی‌گذارد. روان‌شناسان این میل را حس کنجکاوی می‌نامند و این میل در زندگی انسان‌ها شکل‌های گوناگونی می‌یابد. برخی سراغ علوم عقلی و فلسفی می‌روند و گروهی به سراغ علوم تجربی و حسی و یکی از ریشه‌های این اختلاف در آن‌ها تقدم یک شناخت بر این حس است. کسانی که علوم تجربی و حسی را حق می‌دانند در این زمینه تلاش می‌کنند و عده‌ای که علوم فلسفی و یا شهودی و عرفانی را نزدیک‌تر به

حقیقت می‌دانند در این زمان می‌کوشند (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۵۷).

قرآن کریم از یک سو با ارائه جهان‌بینی الهی و شناخت قبلی در انسان مسیر حقیقت جویی را اصلاح می‌کند و از سوی دیگر نسبت به حق و حقیقت تذکر داده و مصادیق آن را بیان می‌نماید تا مسیر حقیقت‌جویی انسان را به سمت بندگی و عبودیت و به تبع آن تعالی اخلاق و معنویت تغییر دهد (بقره، ۱۱۹ و ۱۴۷).

۳. از جمله امیال ذاتی در انسان میل به بقاء است. برخی آیات به خوبی به این میل و گرایش در انسان‌ها اشاره می‌کند، با این بیان که برخی انسان‌ها دوست دارند هزار سال عمر کنند (بقره، ۹۶). در آیه شریفه عدد هزار مقصود نیست؛ بلکه کنایه از میل به زنده ماندن ابدی است (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۴). قرآن کریم ریشه و منشاء اغواگری شیطان نسبت به حضرت آدم را نیز وجود میل به بقاء در ایشان بیان می‌کند (طه، ۱۲۰).

باتوجه به این که این گرایش ذاتی است قرآن کریم هرگز در پی نابودی آن نیست بلکه آن را جهت‌دهی کرده و برای ادامه زندگی و بقاء، حیات‌سرای دیگری را به بندگان معرفی می‌کند. سرای آخرت‌سرای است که، حیات همیشگی و بقاء در آن انجام می‌گیرد؛ بنابراین قانون کلی که در آیات شریفه بیان می‌شود این است که هرچند در این دنیا بقاء برای هیچ کس وجود ندارد، اما بقائی که بشر در پی آن است در سرای آخرت محقق می‌شود و البته بقاء در آخرت بهتر از سرای دنیای فانی است (اعلی، ۱۷).

می‌توان گفت ریشه تلاش‌های متفاوت در انسان برای بقاء در حیات مادی یا حیات معنوی ریشه در شناخت و معرفت او دارد. به همین خاطر قرآن کریم نیز از همین عامل برای جهت‌دهی این گرایش برای تقویت انگیزش به سوی بندگی و عبودیت به عنوان پایه و اساس معنویت استفاده می‌کند.

۴. از جمله گرایش‌های ذاتی در انسان قدرت‌طلبی است که ریشه در کمال‌طلبی دارد. انسان ذاتاً قدرت را دوست دارد و از ضعف‌گریزان است. براساس این گرایش انسان همواره در پی این است تا بر محیط اطراف خود تسلط پیدا کند. گرایش‌هایی چون استقلال‌طلبی، اعتماد به نفس، جاه و مقام‌طلبی (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۲۲۰) و شخصیت‌طلبی (مصباح، ۱۳۹۲، ص ۱۴۹) از شعب قدرت‌طلبی هستند.

از آنجا که قدرت طلبی ذاتی است و در همه انسان‌ها وجود دارد امکان از بین بردن آن نیست؛ اما همین گرایش ذاتی تنوع گوناگونی در بین انسان‌ها دارد و وابسته به این است که قدرت در چه چیز دانسته شود؛ بنابراین این میل ذاتی را با شناخت صحیح باید جهت‌دهی صحیح نمود (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۸).

قرآن کریم نیز از این گرایش ذاتی استفاده کرده و سعی دارد با معرفت‌دهی هدف‌مند آن را با بندگی همسو نماید و جهت‌دهی کند. قرآن کریم اساساً تمام قدرت را برای خداوند تعالی اعلام می‌کند؛ بنابراین هیچ کس و هیچ چیز از خود قدرتی استقلالی ندارد (بقره، ۱۶۵).

نکته مهم دیگر این که برای فعال کردن روحیه قدرت طلبی انسان باید ابتدا او متوجه ضعف و نیاز خود گردد و در ادامه به قدرتی که بزرگ‌تر که امکان رفع این ضعف و نیاز را داشته باشد علم یابد تا روحیه قدرت طلبی در او و میل رسیدن به آن قدرت در او فعال گردد (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۳۱). قرآن کریم نیز انسان را به ضعف و نیاز خود متوجه می‌گرداند (فاطر، ۱۵)؛ بنابراین تذکر می‌دهد که ای انسان تو فقر و عجز محض هستی و قدرتی که می‌تواند تو را بی‌نیاز گرداند تنها خداوند است (ذاریات، ۵۸).

۵. درباره میل شخصیت طلبی نیز باید گفت انسان ذاتاً از تحقیر بدش می‌آید و از کوچک شدن گریزان است؛ انسان همیشه طالب این است که در جامعه عزت‌مند باشد. قرآن کریم بر آن است تا از این ویژگی فطرتی نیز استفاده کرده و آن را جهت‌دهی نماید، به گونه‌ای که این میل به کمک بندگی و عبودیت بیاید.

قرآن کریم تمام عزت و بزرگی و حتی ذلت را تنها برای خداوند تعالی بیان می‌کند. (فاطر، ۱۰؛ آل عمران، ۲۶)؛ بنابراین اگر کسی در اجتماع هم در پی شخصیت طلبی و عزت و از ذلت گریزان است باید به درگاه الهی آمده و در مسیر بندگی قدم بگذارد؛ از همین رو قرآن کریم افرادی را که برای کسب عزت دست به دوستی با کفار زده و تلاش می‌کنند از این روش کسب عزت نمایند مورد نکوهش قرار داده و این حقیقت را متذکر می‌شود که تمامی عزت نزد خداوند است (نساء، ۱۳۹).

۶. همان‌گونه که بیان شد یکی از گرایش‌های ذاتی انسان سعادت‌طلبی و لذت‌جویی است. گرایش‌های دیگری همچون غرائز، جمال‌دوستی، عواطف و احساسات و انفعالات ریشه در سعادت‌طلبی و لذت‌جویی دارند.

ذاتی‌بودن این گرایش بدین معناست که گرایش انسان به خوش‌گذرانی و بی‌میلی‌اش به درد و رنج و مشقت و فرار از آن اختیاری نیست؛ بلکه به طور تکوینی در او نهاده شده است. قرآن کریم نه تنها اصل وجود گرایش به لذت را در انسان انکار یا آن را محکوم نمی‌کند، بلکه یک سلسله از آموزه‌های خود را براساس این میل طبیعی انسان مبتنی می‌سازد و در روش تربیتی خود از آن بهره می‌برد (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۲۴۹). برای نمونه در مورد غرائز می‌توان گفت قرآن کریم در آیات بسیار زیادی از لذت‌های خوردنی، پوشیدنی و حتی لذت جنسی در بهشت صحبت به میان می‌آورد (واقعه، ۲۷-۳۷). از سوی دیگر پس از برانگیختگی این گرایش در انسان آن را در مسیر بندگی و عبودیت جهت‌دهی می‌نماید به این بیان که آیا می‌دانید چگونه می‌توان به این لذت‌ها دست یافت؟ آیات زیادی از این دست شرط رسیدن به این لذت‌ها را ایمان، تقوا و عمل صالح یعنی همان بندگی و عبودیت بیان کرده تا بندگان به این سو گرایش بیشتر و قوی‌تری یابند (بقره، ۲۵).

۷. در انسان گرایش به جمال و زیبایی چه به معنی زیبایی دوستی و چه به معنی زیبایی آفرینی که نامش هنر است به معنی مطلق وجود دارد. انسان لباس هم که می‌پوشد کوشش می‌کند تا حدی که برایش ممکن باشد وضع زیباتری برای خودش به وجود بیاورد (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۸).

براساس این گرایش ذاتی انسان از جمال جمادات، نباتات، حیوانات، انسان‌ها، امور عقلی زیبا و حتی جمال عرفانی لذت می‌برد (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۶۱). قرآن کریم در آیات متعدد از این میل به زیبایی و جمال استفاده نموده و سعی دارد با بیان زیبایی‌های سرای آخرت این میل را در انسان برانگیزاند و راه رسیدن به این زیبایی‌ها را بندگی و عبودیت بیان می‌کند (فاطر، ۳۳؛ الرحمن، ۷۶؛ البقره، ۲۵).

۳. تأثیر باطن قرآن کریم در تعالی معنوی

تا این جا تأثیر ظاهر قرآن کریم در شناخت ذهنی از سیروسلوک مورد بررسی قرار گرفت. حتی آن جا که تأثیرات انگیزشی در انسان مورد بررسی قرار گرفت نیز این نوع تأثیر ریشه در شناخت ذهنی انسان از ظاهر قرآن داشت. پس ملاک در تفکیک و تقسیم بندی، ظاهر و باطن قرآن است نه انسان؛ اما درباره تأثیر باطن قرآن کریم در سیروسلوک عرفانی و به تبع در تعالی معنوی باید گفت این تأثیرات فراتر از حوزه شناخت هستند و به طور مستقیم در حقیقت وجودی و جان سالک رخ می دهند؛ هر چند به حوزه شناخت های ذهنی او چیزی افزوده نشود. گاهی شخصی آیاتی از قرآن کریم را تلاوت می کند و شاید هیچ توجهی به معانی آن ها نداشته باشد یا به سبب نبود تسلط به زبان عربی معنای قرآن را نمی فهمد؛ لذا این تلاوت هیچ تأثیری در حوزه شناخت های ذهنی او ندارد و آن ها را نمی افزاید؛ اما همین نوع تلاوت می تواند تأثیراتی معنوی را در جان و باطن قاری گذاشته و جان او را صفا بدهد و موجب تعالی معنوی او شود. درواقع قرآن کریم فرد را در مسیر عبودیت و سیر و سلوک حرکت داده و جان او را مستعد برای حرکت در این مسیر می کند.

برای بیان بهتر تأثیرات باطنی قرآن کریم باید به نکاتی در چند محور توجه کرد. ابتدا درباره حقیقت وجودی قرآن باید گفت کلام الله و رای وجود ظاهری خود که الفاظ آن است دارای حقیقت وجودی دیگری نیز است. درواقع حقیقت قرآن کریم وجودی ملکوتی است نه مادی. بنابر نظر برخی بزرگان همچون امام خمینی علیه السلام حقیقت قرآن کریم از شئون ذاتی و حقیقتی علمی است نسبت به ذات حق تعالی که به آن کلام نفسی نیز می گویند، این حقیقت به وسیله علوم رسمی یا معارف قلبیه و یا به وسیله مکاشفه غیبیه برای هیچ کس حاصل نمی شود و فقط به وسیله مکاشفه تامه الهی حاصل می شود. این نوع مکاشفه هم فقط مختص ذات مقدس نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و خلص از اولیاء الله که به حسب انوار معنوی و حقایق الهی با روحانیت آن ذات مقدس مشترک هستند و به واسطه تبعیت تامه در آن حضرت فانی شده اند و علوم مکاشفه را بالوراثه از آن حضرت تلقی کنند، حقیقت قرآن به همان نورانیت و کمال که در قلب مبارک آن

حضرت تجلی کند به قلوب آن‌ها نیز منعکس می‌شود؛ آن‌ها ولی الله مطلق امیرالمومنین علی بن ابی طالب و اولاد طاهرين ایشان علیهم‌السلام هستند؛ اما این حقیقت قرآن کریم پس از تنزل از جایگاه خود از حضرت اسماء به عوالم مادی و حدوث حجاب‌های مادی به الفاظی می‌رسد که امروز در دسترس بشریت است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱).

اما باید دانست این حقیقت الهی در هر عالمی تجلی و مظاهری خاص آن را دارد و این مظاهر در هر عالمی تأثیرات خاص خود را دارا هستند (ملکی تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۷). در روایتی از امام صادق علیه‌السلام درباره حقیقتی غیر از الفاظ ظاهری قرآن کریم نقل شده است قرآن در روز قیامت به صورت انسانی با صورت نیکو وارد محشر می‌شود و انسان‌ها به آن می‌نگرند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۹۶). همچنین در روایتی دیگر از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره قرآن کریم نقل شده است «قرآن ظاهری دارد و باطنی دارد، ظاهرش حکم و دستور است و باطنش علم و دانش؛ ظاهرش خرم و زیبا است و باطنش ژرف و نارسا...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۹۸).

بنابر دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه قرآن با دیگر کتب متفاوت است؛ به این بیان که هر کاتبی از محدوده کتاب خود خارج است؛ اما خداوند سبحان که از هر نوری روشن‌تر است تحت هیچ حجابی مستور نیست و از محدوده هیچ موجودی بیرون نخواهد بود؛ بنابراین لطیف‌ترین تعبیری که درباره کلام و کتاب خداوند سبحان مطرح است همان تجلی است که احتمال هر گونه تجافی را از بین می‌برد و زمینه هر گونه شناخت عمیق را فراهم می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱)؛ لذا امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ بِمَا أَرَاهُمْ مِنْ قَدَرَتِهِ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷).

در نتیجه باید گفت قرآن کریم حقیقتی دارد که به آن کلام نفسی می‌گویند؛ آن حقیقت الهی با طی کردن عالم‌های گوناگون مرتبه‌به‌مرتبه تنزل یافته تا به عالم ماده رسیده و به صورت الفاظ بدست ما رسیده است. پس وقتی قرآن کریم چنین حقیقت بلندی دارد ارتباط با آن سبب می‌شود سالک با چنین حقیقت بلندی ارتباط برقرار کرده باشد؛ لذا آن حقیقت الهی تأثیرات فراوانی در جان او می‌گذارد. چه سال کبداندیان داند این تأثیر باطنی در اثر ارتباط با آن حقیقت بلند در جان او صورت می‌پذیرد؛

بنابراین باید گفت مقصود از تأثیر باطن قرآن کریم در تعالی معنوی انسان، تأثیری است که آن حقیقت ماورایی و الهی قرآن کریم در جان و روح انسان می‌گذارد. همان‌گونه که بیان شد دیگر دامنه تأثیر باطن قرآن کریم منحصر در حوزه شناخت‌های ذهنی نیست بلکه به‌طور مستقیم بدون نیاز به تحلیل ذهنی در قلب و جان انسان اثر می‌نشیند. ظاهر عبارات قرآن بر شناخت‌های ذهنی انسان می‌افزاید و برای رسیدن به این شناخت نیاز به تلاش و تحلیل ذهنی است؛ اما باطن قرآن کریم جان انسان را احیا می‌کند، هرچند ظاهر قرآن بر شناخت‌های ذهنی او چیزی نیافزاید. در ادامه به دامنه این تأثیرات باطن قرآن کریم پرداخته می‌شود.

۱-۳. تأثیرات باطن قرآن کریم در طول تمام مراحل سیرالی‌الله

هرچند در سیروسلوک مراتب و منازل گوناگونی وجود دارد، اما برخی مسائل به نحو کلی در طول سیروسلوک ثابت هستند. به این معنا که همه مراتب سلوک مصداقی از این امر کلی هستند. در حقیقت ارتباط با قرآن کریم تأثیراتی باطنی دارد که مختص به منزل و مرحله خاصی از سلوک نیست؛ بلکه هر شخصی در هر مرحله‌ای از سلوک خود از این تأثیرات بهره‌مند می‌شود. البته فقط تفاوت در کیفیت بهره‌مندی است.

درواقع تعابیری همچون: رفع حجب، طهارت باطن، شفای امراض قلبی و نورانیت دل، همگی تعابیر گوناگونی از یک حقیقت هستند، یعنی سیروسلوک عرفانی که این حقایق در تمامی طول سیرالی‌الله در حال انجام‌شدن است. البته همان‌طور که گفته شد کیفیت بهره‌مندی متفاوت است. برای مثال شخصی که در مرحله توبه است نیاز به رفع حجاب دارد؛ همچنین شخصی که در مرحله رضا یا مراحل بالاتر سلوک است نیز نیاز به رفع حجاب دارد؛ پس تأثیر باطنی قرآن کریم در رفع حجب برای هر دو نفر ثابت است، اما نوع و شکل این تأثیر با توجه به تفاوت نوع حجاب‌ها متفاوت است.

یکی از این امور کلی، خروج از حجاب‌های نفس و یا همان خروج از ظلمت به نور است. چه سالکی که در مراتب ابتدایی سلوک است و چه سالکی که در مراتب بالای توحید و فنا است هرچند مراتبی متفاوت دارند؛ اما سیر و حرکت هر دو آن‌ها مصداقی

از کشف حجاب و خروج از ظلمت به نور است.

در بیان سیر و سلوک می‌توان گفت سلوک معنوی حرکتی باطنی از ظلمات به سوی نور یا همان خروج از حجاب‌های ظلمانی و نورانی است؛ بنابراین هر عاملی که موجب سرعت بخشیدن در این حرکت شود، یا اینکه موجب رفع حجاب‌ها و خروج از ظلمت‌ها گردد عاملی موثر در سیر و سلوک به حساب می‌آید (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۵۸).

در همین زمینه آیه شریفه قرآن کریم را نوری معرفی می‌کند که خداوند آن را آورده تا به وسیله آن بندگانی را که در مسیر رضای خداوند قدم برمی‌دارند را هدایت کند و آن‌ها از ظلمات خارج کرده و به سوی نور حرکت دهد (مائده، ۱۵-۱۶).

باتوجه به آیه شریفه این تأثیر در باطن سالک از نوع تأثیر در شناخت ذهنی نیست؛ بلکه فراتر از آن و از نوع تأثیری باطنی در جان سالک است؛ زیرا در کنار ارتباط با قرآن به امر دیگری نیز نیازمند است و آن عمل نمودن به مقتضای رضای خداوند است. پس هر قاری قرآنی این تأثیرپذیری را ندارد و مشخص می‌شود این تأثیر فراتر از انتقال یک سری مفاهیم در حوزه شناخت است.

در روایتی از امیرالمومنین (علیه السلام) در این باره آمده است «با فضیلت‌ترین ذکر خدا قرآن است؛ به آن سینه‌ها شرح می‌یابد و باطن‌ها نورانی می‌شوند» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۹). در روایتی از امام صادق (علیه السلام) به صورت خاص به تأثیر قرائت دو سوره مبارکه انشقاق و انفطار در رفع حجب و پرده‌ها اشاره شده است (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۲۱).

یکی دیگر از مسائلی که به نحو کلی قابل صدق بر همه مراتب سلوک است و به تعبیری دیگر، ناظر بر حقیقت سلوک است طهارت و تزکیه باطن یا همان قلب است؛ به این معنا که سالک هرچه در سیرالیه پیش می‌رود بر طهارت قلبی و مراتب تزکیه او افزوده می‌شود؛ بنابراین درباره تمامی سالکین در هر مرتبه‌ای که هستند می‌توان گفت که در حال تلاش برای طهارت باطن و تزکیه نفس قرار دارند (فیض، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۵۴). یکی از تأثیرات باطنی قرآن کریم بر قلب سالک ایجاد طهارت باطنی در او است.

امام زین العابدین (علیه السلام) در دعای ختم قرآن از خداوند به وسیله مداومت شبانه‌روزی بر قرآن تطهیر از هرگونه آلودگی را طلب می‌نمایند (صحیفه سجاده، دعای ۴۲). از این کلام

شریف مشخص می‌شود تأثیر باطنی طهارت قلب تأثیری است که با صرف ارتباط کوتاه محقق نمی‌شود؛ بلکه برای بهره‌مندی از این تأثیر ویژه باید در طول شبانه‌روز و به صورت مداوم در ارتباط با قرآن بود.

همچنین در روایتی از امیرالمومنین علیه السلام در این باره آمده است جلاء و تطهیر قلب تنها به وسیله قرآن صورت می‌گیرد (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶) و البته از این حصر، اهمیت و تأثیر ویژه قرآن کریم در طهارت باطن به دست می‌آید. در حقیقت در این روایت آلودگی‌های روحی به زنگار و جرم‌های مادی تشبیه گردیده است، لذا از طهارت به جلاء تعبیر شده است؛ در روایتی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره نقل شده است جلاء قلوب بواسطه ذکر خداوند و قرآن صورت می‌گیرد (راوندی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۳۷).

نکته دقیق این که خاصیت تطهیرکنندگی قرآن کریم متوقف بر فهم آن و دقت در معانی آن نشده است؛ بلکه به صورت مطلق بیان شده است. پس صرف ارتباط با قرآن کریم این تأثیر را در جان سالک می‌گذارد و بیان‌گر تأثیری غیر از تأثیر ظاهری در حوزه شناخت است.

یکی دیگر از امور کلی صادق بر مراتب مختلف سلوک، درمان بیماری‌های باطنی و قلبی است. سالک با ریاضات شرعی و مجاهدات مستمر باید تلاش نماید بیماری‌های باطنی خود را دواء و بستر را برای تحقق معرفت الله و سیرالی‌الله فراهم آورد (فیض، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۲۶).

یکی از عواملی که سبب شفاء بیماری‌های باطنی و زمینه‌سازی برای حرکت و سلوک معنوی می‌شود قرآن کریم است. خداوند تعالی در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (یونس، ۵۷). در این آیه شریفه نیز از کنار هم قرار گرفتن شفاء بیماری‌های قلبی و هدایت که همان حرکت در مسیر عبودیت و سلوک است مشخص می‌شود که هر دو اشاره به یک حقیقت دارند و یکی هستند؛ همچنین در جای دیگر می‌فرماید قرآن کریم برای مومنین مایه شفاء و رحمت است (اسراء، ۸۲).

در روایتی از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است: «قرآن دارویی است که با آن بیماری

وجود ندارد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸)؛ بنابراین تأثیر گذاری قرآن کریم در درمان بیماری های قلبی به گونه ای است که اگر کسی به صورت حقیقی از آن بهره مند شود دیگر هیچ مرض قلبی در او باقی نمی ماند و محتاج به امر دیگری نیست. روایات دیگری نیز در این زمینه وارد شده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۵۸).

یکی دیگر از اموری که در سراسر مسیر سیرالی الله و در جمیع مراتب آن مبتلی به است عبور از موانع سلوک است. یکی از موانع سلوک شیطان است. ارتباط با قرآن کریم تأثیر بسیار زیادی در محفوظ ماندن سالک از مکاید این دشمن قسم خورده دارد.

در روایتی از رسول خدا ﷺ قرائت قرآن عاملی برای محفوظ ماندن از قرآن بیان شده است (شعیری، ۱۳۸۸، ص ۴۱)؛ همچنین در روایتی دیگر از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «هر که چهار آیه اول سوره بقره را با آیه الكرسي و دو آیه بعد از آن (یعنی از الله لا إله إلا هو الْحَيُّ الْقَيُّومُ، تَأْتُمُّ فِيهَا خَالِدُونَ) و سه آیه آخر سوره بقره را بخواند در جان و مالش بد نبیند و شیطان به او نزدیک نشود و قرآن را فراموش نکند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۲۱).

در روایتی از امام باقر عجله نقل شده است «من دوست دارم که در خانه قرآن باشد، زیرا خداوند به وسیله آن شیطان را می راند» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۱۰۳). به خوبی مشخص است که این تأثیر از نوع باطنی است؛ زیرا به صرف حضور مصحف شریف در خانه محقق می شود و این تأثیر متوقف بر تلاوت یا فهم معانی قرآن نیست.

همچنین در روایتی از امیرالمومنین عجله نقل شده است قرائت قرآن در منزل موجب افزایش برکت خانه و حضور فرشتگان و ترک شیاطین از آن جا می شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۱۰).

بنابراین می توان دریافت که ارتباط با قرآن برای سالک تأثیر بسیاری در محفوظ ماندن او از شیطان رجیم این مانع بزرگ برای سلوک دارد؛ لذا در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده است «(تحمل) هیچ چیزی بر شیطان دشوارتر از تلاوت قرآن از روی آن نیست» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۳). این نشان دهنده این است که هیچ چیز تأثیر قرائت قرآن را در سلوک و تعالی معنوی ندارد.

۲-۳. تأثیر باطن قرآن کریم در مراحل خاص سلوک

درباره تعداد منازل و مراحل سلوک یا عرفان عملی بین عرفاء اختلافاتی وجود دارد؛ برای مثال خواجه عبدالله انصاری در کتاب منازل السائرین تعداد منازل را صد عدد بیان می‌نماید؛ او ابتدا منازل را به ده قسمت تقسیم نموده و در ادامه هر قسمت را به ده باب کوچک‌تر تقسیم می‌نماید که مجموعاً صد منزل می‌شوند (تلماسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۲). برخی دیگر از بزرگان همچون خواجه نصیرالدین طوسی مجموعاً منازل و مقامات سلوک را سی و یک منزل دانسته است (نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۳، ص ۶). برخی دیگر تعداد منازل را تا هزار عدد نیز رسانیده‌اند (عبدالرزاق کاشی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۲۱).

در این قسمت باید گفت ارتباط با قرآن کریم تأثیرات باطنی و معنوی خاصی نیز در برخی منازل سیرالی الله در پی دارد. به این معنا که سالک برای عبور از آن منزل باید از این تأثیرات بهره‌برد تا موفق به عبور از آن منزل گردد. در این قسمت به برخی از این تأثیرات اشاره می‌شود.

یکی از اولین منازل سلوک، ایمان است. قرآن کریم تأثیر شایانی در حفظ ایمان برای مومنین دارد. در روایات متعددی آمده است که برای نمونه خواندن سوره‌هایی مانند بینه، مائده در هر پنجشنبه، انفال، براءت و محمد موجب محفوظ ماندن ایمان و دوری از نفاق می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، صص ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۴ و ۱۲۴).

نکته بیان‌شده در قسمت قبل در این جا نیز قابل ذکر است و آن اینکه این دسته از روایت‌ها جملگی مطلق هستند و هرگز تأثیر قرائت قرآن در ایمان را متوقف بر اموری همچون فهم معانی و معارف قرآن ننموده‌اند؛ بنابراین این تأثیر، تأثیری غیر از تأثیر شناختی است که حتی برای شخصی که اصلاً آشنایی با زبان عربی ندارد و فقط توان قرائت قرآن را دارد نیز حاصل می‌شوند؛ همچنین از آنجا که در برخی روایات این قرائت مقید به زمان خاصی شده است بیان‌گر این است که تأثیری غیر از تأثیر شناختی است؛ زیرا تأثیر شناختی با تلاوت در هر زمانی حاصل می‌گردد.

یکی دیگر از اولین منازل سیر و سلوک توبه است. قرآن کریم تأثیر باطنی ویژه‌ای در رسیدن به نتیجه و غایت توبه یعنی بخشش گناهان و بهره‌مندی از غفران الهی برای

سالک الی الله دارد. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «چه باز می‌دارد بازرگان شما را که چون از شغل بازاریش به خانه‌اش بر می‌گردد، نخواست تا یک سوره از قرآن بخواند تا نوشته شود برایش به جای هر آیه که می‌خواند ده حسنه و محو شود از او ده سیئه». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۱۱). البته این تأثیر قرآن کریم مختص در قرائت آن نیست، بلکه بنابر روایات شنیدن، نگاه کردن، قرائت در حالت نشسته یا ایستاده در نماز نیز چنین آثاری را در پی دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۱۲).

هرچند انواع ارتباط با هر قسمت از قرآن کریم چنین تأثیری را دارا است؛ اما برخی سوره‌های قرآن کریم مانند سوره قدر (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۲۴) یا خواندن صد مرتبه سوره توحید هنگام خواب (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۲۰) به نحو ویژه موجب غفران گناهان می‌گردند.

باید دقت کرد که مغفرت الهی هرگز بدون حکمت و دلیل نیست و اگر شخصی مورد مغفرت الهی واقع شود به طور یقین حکمت و دلیلی برای این امر وجود دارد و قابلیت در وجود او برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن وجود داشته است؛ بنابراین مشخص می‌گردد که ارتباط با قرآن تأثیری ویژه در باطن سالک می‌گذارد به شکلی که نفس او را مستعد بهره‌مندی از مغفرت الهی می‌کند؛ همچنین گاهی چنین تأثیری متوقف بر تکرار شده است که نشان‌گر تأثیری فراتر از حوزه شناخت است، زیرا معارف و شناخت حاصل از آیات با دفعات ابتدایی حاصل می‌شود.

نکته دیگر اینکه توبه دارای ارکان و شروطی است؛ یکی از شروط توبه، شرط کمال است و آن این که تائب تلاش نماید با اعضائی که گناه نموده است عبادت انجام دهد. (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۱۱)؛ بنابراین ارتباط با قرآن کریم می‌تواند کفاره گناهان انسان بوده و موجب کمال توبه انسان گردد. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این موضوع و در توصیه به سلمان فارسی آمده است قرائت قرآن کفاره گناهان است. (شعیری، ۱۳۸۸، ص ۳۹). در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام قرائت از روی مصحف به قرائت از روی حفظ ترجیح داده شده است؛ زیرا نگاه به مصحف عبادت است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۱۴). پس عبادت‌بودن نگاه کردن به قرآن کریم می‌تواند به نحو کلی کفاره

گناهان چشم‌بودن را ثابت نماید که این خود از شروط توبه است.

یکی دیگر از منازل سلوک، تقوا است. قرآن کریم در ایجاد و اثبات ملکه تقوا در جان سالک اثر چشم‌گیری دارد. در روایتی از امام باقر علیه السلام یکی از آثار تلاوت هر شب سوره حم مومن موجب با تقوا شدن قاری است (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱۳). با توجه به اینکه تقوا یک ملکه و حالت نفسانی است در این روایت شریف به خوبی به تأثیر مستقیم و معنوی ارتباط با قرآن در ایجاد این ملکه اشاره شده است.

از جمله منازل سلوک مراقبه است. سالک ابتدای هر روز باید با خود شرط کند که عملی خلاف وظیفه‌اش انجام ندهد و در طول روز مراقب شروط خود باشد و البته روزانه این مشارطه را تکرار نماید (بهار، ۱۳۶۱، ص ۱۸). یکی از آثار قرآن کریم در جان سالک این است که او را در این مراقبه روزانه کمک می‌کند. در روایتی از امیرالمومنین علیه السلام در این زمینه آمده است: «کسی که یازده بار سوره قلّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را پس از نماز صبح بخواند، در آن روز گناهی از او سر نمی‌زند هرچند که شیطان خوار شود» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۲۹).

در روایتی چنین تأثیری برای تکرار سوره یاسین در روز نیز بیان شده است (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱۱).

قید تکرار و قید زمان خاص مانند پس از نماز صبح یا قبل از خواب نشان‌گر این است که این تأثیر تأثیری ظاهری و از باب افزایش معرفت و شناخت نیست؛ زیرا این افزایش شناخت بدون تکرار و در زمان دیگر نیز حاصل می‌شود؛ بنابراین سالک برای مراقبه بهتر باید ارتباط خود را با قرآن به صورت روزانه حفظ نماید.

یکی دیگر از امور مهم در سلوک نفی خواطر و وساوس نفسانی است. در روایتی از امام باقر علیه السلام در این مورد نقل شده است خواندن سوره مبارکه یاسین آثار متعددی از جمله دفع وساوس نفسانی را در پی دارد (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱۱).

علامه طباطبایی رحمته الله در اهمیت و نقش ارتباط با قرآن در نفی خواطر فرموده‌اند: اکثر افرادی که موفق به نفی خواطر شده و توانسته‌اند ذهن خود را پاک و صاف نموده و از خواطر مصفا کنند و بالاخره سلطان معرفت برای آنان طلوع

نموده است در یکی از این دو حال بوده است: اوّل در حین تلاوت قرآن مجید و التفات به خواننده آن، که چه کسی در حقیقت قاری قرآن است و در آن وقت بر آنان منکشف می شده است که قاری قرآن خداست جلّ جلاله. دوّم از راه توسّل به حضرت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) زیرا آن حضرت را برای رفع حجاب و موانع طریق نسبت به سالکین راه خدا عنایتی عظیم است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۵۰).

برخی خطورات در ابتدای امر قابل جلوگیری نیستند، هرچند که می توان با دفع مقدمات آن از بروز این خطورات کاست؛ اما تأثیر ارتباط با قرآن کریم در دفع این خطورات و مانعیت این ارتباط از حدوث آن ها نشان گر تأثیری تکوینی و معنوی و فراتر از حیطه ادراک انسان دارد.

برخی از آیات قرآن کریم به نحو خاص تأثیرات شگرفی در ترقی معنوی سالک دارند مانند آیه شریفه ای که معروف به ذکر یونسیه است «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیاء، ۸۷). بسیاری از بزرگان به شاگردان خود تأکید ویژه ای نسبت به مداوت بر این آیه شریفه به خصوص در حالت سجده داشته اند؛ در حقیقت سالک باید به این نکته توجه نماید که در سجن طبیعت و رذائل اخلاقی زندانی گردیده است و این گرفتاری ها همگی از جانب خود اوست؛ لذا خداوند را تنزیه نموده و از او درخواست رهایی از این زندان می نماید (ملکی تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۳).

یکی از مراحل بالای سیر و سلوک شهود و فناء می باشد؛ سالک در مرتبه ای به شهود افعالی، صفاتی و یا ذاتی نائل می آید؛ در روایتی از امام صادق (علیه السلام) در این باره آمده است ایشان برخی ایام در نماز آیه ای را تکرار نموده و این عمل را آن قدر تکرار می نمودند تا این که آن را از گوینده آن می شنیدند و از هوش می رفتند و این خود مرتبه ای از شهود است (شیخ بهایی، بی تا، ص ۳۷۲)؛ بنابراین قرآن کریم در مراحل بالای سلوک نیز تأثیرات باطنی و معنوی خاص و ویژه ای دارد، به گونه ای که سالکان طریق توحید و معرفت الله برای دستیابی به آن درجات بالا باید از این منبع موثر استفاده نمایند.

نتیجه‌گیری

نتیجه اینکه هم ظاهر و هم باطن قرآن کریم تأثیرات گوناگونی در سیر و سلوک عرفانی و به تبع تعالی معنوی انسان دارد؛ اما درباره ظاهر قرآن کریم تأثیر آن باید گفت قرآن کریم به عنوان متقن‌ترین منبع دینی مرجعی برای شناخت سیر و سلوک عرفانی و به تبع روش تعالی معنوی است و رجوع در این زمینه به آن ضروری است؛ همچنین تأثیرات شناختی قرآن کریم که مربوط به ظاهر آن است در مسئله انگیزش به سوی تعالی معنوی نیز موثر است. قرآن کریم با معرفت‌دهی هدفمند هم در حوزه تصور، هم تصدیق به فایده و هم در تقویت گرایش‌های همسو با بندگی و عبودیت تأثیر انگیزشی خاصی در جهت تعالی معنوی دارد؛ اما درباره تأثیرات باطن قرآن کریم در تعالی معنوی باید گفت حقیقت قرآن امری ماوراء مادی و بسیار بلند است که انسان هم‌زمان با ارتباط با ظاهر قرآن در واقع جان خود را با آن حقیقت الهی نیز مرتبط کرده است، لذا انواع ارتباط با قرآن از قرائت، استماع، نگاه تا همراه داشتن علاوه بر تأثیرات ظاهری در حوزه شناخت‌های ذهنی، می‌توانند تأثیرات باطنی شگرفی نیز در طی کردن منازل مختلف سیر و سلوک اخلاقی و به تبع تعالی معنوی داشته باشند. این تأثیرات در منابع با تعبیری همچون رفع حجب، طهارت باطن، شفای امراض قلبی و نورانیت دل یاد شده است که قابل صدق بر همه مراحل سلوک است؛ همچنین در منابع به نحو خاص بر تأثیر باطن قرآن کریم در برخی منازل سلوک همچون: ایمان، توبه، تقوا، نفی خواطر و فنا اشاره شده است. در نتیجه ظاهر و باطن قرآن کریم تأثیرات شگرفی در سیر و سلوک عرفانی و به تبع تعالی معنوی دارند به نحوی که می‌توان گفت برای تعالی معنوی، ارتباط با قرآن کریم امری ضروری و حیاتی است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

*** صحیفه سجادیه

ابن بابویه، محمد. (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (چاپ دوم). قم: انتشارات دارالشریف الرضی للنشر.

ابن فارس، أحمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (چاپ اول). قم: انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: انتشارات دارالفکر للطباعة. امینی نژاد، علی. (۱۳۹۴). آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی (چاپ چهارم). قم: انتشارات موسسه امام خمینی علیه السلام.

بهاری همدانی، محمد. (۱۳۶۱). تذکره المتقین (چاپ دوم). تهران: انتشارات نور فاطمه علیها السلام. تلمسانی، سلیمان. (۱۴۱۳ق). منازل السائرین إلى الحق المبین (شرح تلمسانی) (چاپ اول). قم: انتشارات بیدار.

تمیمی آمدی، عبد الواحد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

حسینی طهرانی، محمدحسین. (۱۴۲۶ق). رساله لب الباب در سیر و سلوک اولی الألباب (چاپ سیزدهم). مشهد: انتشارات علامه طباطبائی علیه السلام.

حقانی، ابوالحسن. (۱۳۹۵). روان شناسی کاربردی ۱ (چاپ اول). قم: انتشارات موسسه امام خمینی علیه السلام.

خمینی، روح الله. (۱۳۸۲). قرآن کتاب هدایت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

خمینی، روح الله. (۱۳۸۷). تهذیب نفس و سیروسلوک از دیدگاه امام خمینی & (چاپ اول). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). آداب الصلاة (چاپ هفتم). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

خمینی، روح الله. (۱۳۸۲). شرح حدیث «جنود عقل و جهل» (چاپ هفتم). قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن (چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالقلم. رحیمیان، سعید. (۱۳۷۸). تجلی و ظهور در عرفان نظری (چاپ اول). قم: انتشارات بوستان کتاب.

شعیری، محمد. (۱۳۸۸ق). کاشف الأستار (ترجمه جامع الأخبار) (چاپ اول). تهران: انتشارات کتاب فروشی اسلامیة.

شیخ بهایی، محمد. (بی تا). مفتاح الفلاح فی عمل الیوم واللیلة من الواجبات والمستحبات (چاپ اول). تهران: نشر دارالکتب الاسلامی.

صدرالدین شیرازی، محمد. (۱۳۶۱). تفسیر القرآن الکریم (چاپ دوم). قم: نشر بیدار. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان (چاپ پنجم). قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). بیروت: نشر مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، احمد. (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج. مشهد: نشر مرتضی. عالم زاده نوری، محمد؛ بوسلیکی، حسن و مرادی، حسین. (۱۳۹۳). نقش مربی در تربیت اخلاقی - معنوی (چاپ دوم). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

عبدالرزاق کاشی، عبدالرزاق. (۱۴۲۷ق). منازل السائرین (شرح قاسانی) (چاپ سوم). قم: نشر بیدار.

- فراهیدی، خلیل. (۱۴۰۹ق). کتاب العین (چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
- فیض کاشانی، محمد. (۱۳۷۲). راه روشن (چاپ اول). مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- قطب الدین راوندی، سعید. (۱۴۰۷ق). الدعوات (چاپ اول). قم: نشر مدرسه امام مهدی علیه السلام.
- کلینی، محمد. (۱۴۰۷ق). الکافی (چاپ چهارم). تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۲). انسان شناسی در قرآن (چاپ سوم). قم: انتشارات موسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۰). انسان سازی در قرآن (چاپ سوم). قم: انتشارات موسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). اخلاق در قرآن (چاپ پنجم). قم: انتشارات موسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). فطرت (چاپ دوم). تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (چاپ دهم). تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- ملکی تبریزی، جواد. (۱۳۸۵). رساله لقاءالله (چاپ هفتم). قم: نشر آل علی علیه السلام.
- موسوی اصل، سیدمهدی؛ آذربایجانی، مسعود و همکاران. (۱۳۹۹). روان شناسی اخلاق (چاپ سوم). قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نراقی، احمد. (۱۳۷۸). معراج السعادة (چاپ ششم). قم: نشر هجرت.
- نصیرالدین طوسی، محمد. (۱۴۱۳ق). اخلاق ناصری (چاپ اول). تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
- نصیرالدین طوسی، محمد. (۱۳۷۳). اوصاف الاشراف (چاپ سوم). تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نوری، حسین. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (چاپ اول). قم: نشر موسسه آل البيت علیهم السلام.

References

*The Holy Quran

**Nahj al-Balagha

***Sahifah Sajjadiya

Abd al-Razzaq Kashani, A. R. (2008). *Manazil al-Sa'irin* (Sharh Qasani) (3rd ed.). Qom: Bidar Publications. [In Arabic]

Alamzadeh Nouri, M., Bosleki, H., & Moradi, H. (2014). *The role of educator in Ethical-spiritual education* (2nd ed.). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]

Amini Nezhad, A. (2015). *An Introduction to Islamic Mysticism* (4th ed.). Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]

Bahari Hamadani, M. (1982). *Tadkira al-Mutaqqin* (2nd ed.). Tehran: Nour Fatima Publications. [In Persian]

Farahidi, K. (1994). *Kitab al-'Ayn* (2nd ed.). Qom: Hejrat Publications. [In Arabic]

Feyz Kashani, M. (1993). *The light path* (1st ed.). Mashhad: Astaneh Quds Razavi Publications. [In Persian]

Haqqani, A. (2016). *Applied Psychology I* (1st ed.). Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]

Hosseini Tehrani, M. H. (2007). *Risalah Lab al-Labab fi Sair wa Suluk Awwal al-Albab* (13th ed.). Mashhad: Allama Tabatabai. [In Persian]

Ibn Babawayh, M. (1986). *Thawab al-A'mal wa 'Iqab al-A'mal* (2nd ed.). Qom: Dar al-Sharif al-Radi Lil-Nashr. [In Persian]

Ibn Faris, A. (1985). *Mu'jam Maqayis al-Lughah* (1st ed.). Qom: Maktab al-Alam al-Islami. [In Persian]

Ibn Manzur, M. (1994). *Lisan al-'Arab* (3rd ed.). Beirut: Dar al-Fikr li al-Taba'ah. [In Arabic]

Khomeini, R. (1999). *Adab al-Salat* (7th ed.). Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

- Khomeini, R. (2003). *Quran, Book of Guidance, from the viewpoint of Imam Khomeini* (Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Khomeini, R. (2003). *Sharh Hadith "Junud 'Aql wa Jahl"* (7th ed.). Qom: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Khomeini, R. (2008). *Purifying the soul and conduct from the viewpoint of Imam Khomeini* (1st ed.). Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Kuleyni, M. (1990). *al-Kafi* (4th ed.). Tehran: Nashr Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, N. (1992). *Tafseer Namunah* (10th ed.). Tehran: Nashr Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
- Maleki Tabrizi, J. (2006). *Risalah Liqa' Allah* (7th ed.). Qom: Nashr Ale Ali. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M. T. (2011). *Human making in the Quran* (3rd ed.). Qom: Imam Khomeini Institute Publications. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M. T. (2012). *Ethics in the Quran* (5th ed.). Qom: Imam Khomeini Institute Publications. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M. T. (2013). *Knowing humans in the Quran* (3rd ed.). Qom: Imam Khomeini Institute Publications. [In Persian]
- Motahari, M. (1990). *Fitrat* (2nd ed.). Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Mousavi Asl, S. M., & Azerbaijani, M., & others. (2020). *Ethical psychology* (3rd ed.). Qom: Research Institute for Hawza and University. [In Persian]
- Naraghi, A. (1999). *Miraaj al-Sa'adah* (6th ed.). Qom: Hejrat Publications. [In Persian]
- Nasir al-Din Tusi, M. (1994). *Awsaf al-Ashraf* (3rd ed.). Tehran: Nashr Ministry of Islamic Culture and Guidance. [In Arabic]
- Nasir al-Din Tusi, M. (1994). *Nasari ethics* (1st ed.). Tehran: Intisharat 'Ilmiyyah Islamiyyah. [In Arabic]

- Noori, H. (1995). *Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il* (1st ed.). Qom: Nashr Mu'assasah Al al-Bayt. [In Arabic]
- Qutb al-Din Rawandi, S. (1990). *al-Da'awat* (1st ed.). Qom: Imam Mahdi School Publications. [In Arabic]
- Raghib Isfahani, H. (1992). *Mufradat Alfaz al-Quran* (1st ed.). Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
- Rahimian, S. (1999). *Manifestation of theoretical mysticism* (1st ed.). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
- Sadr al-Din Shirazi, M. (1982). *Tafseer al-Quran al-Karim* (2nd ed.). Qom: Nashr Bidar. [In Arabic]
- Sha'iri, M. (1989). *Kashf al-Astar* (Tarjumah Jami' al-Akhbar) (1st ed.). Tehran: Islamiyeh Bookstore. [In Persian]
- Shaykh Baha'i, M. (n.d.). *Miftah al-Falah fi Amal al-Yawm wa al-Laylah min al-Wajibat wa al-Mustahabbat* (1st ed.). Tehran: Nashr Dar al-Kutub al-Islamiyeh. [In Arabic]
- Tabatabai, M. H. (1995). *Tarjumah Tafseer al-Mizan* (5th ed.). Qom: Publications of Teachers Society of Islamic Seminary of Qom. [In Persian]
- Tabatabai, M. H. (2011). *al-Mizan fi Tafseer al-Quran* (2nd ed.). Beirut: Nashr Maktabah al-A'lami li al-Matbu'at. [In Arabic]
- Tabrasi, A. (1984). *al-Ihtijaj 'ala Ahl al-Lijaj* (Mashhad: Morteza Publications. [In Arabic]
- Tamimi Amadi, A. (1987). *Tafseer Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim* (1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
- Tlemsani, S. (1994). *Mansil al-Sairin ila al-Haq al-Mubin* (Sharh Tlemsani) (1st ed.). Qom: Bidar. [In Arabic]